

۵۸ ۸۶ ۵۸

۱۴۰۲

ژئوپلیتیک انرژی دریای خزر
و قدرت‌های فرا منطقه‌ای

سید رحمت‌رضائی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....	۱
۱۶	مقدمه.....	۱
۲۳	فصل اول : کلیات.....	۱
۲۵	۱-۱- دیدگاه‌های اندیشمندان در مورد موضوع ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی.....	۱
۲۸	۱-۲- ماهیت و مفهوم ژئوپلیتیک.....	۱
۳۲	۱-۳- مفهوم ژئواکونومی.....	۱
۳۶	۱-۴- ژئوپلیتیک انرژی.....	۱
۳۹	۱-۵- مفهوم امنیت انرژی.....	۱
۴۲	۱-۶- راهبردی و واگرایی منطقه‌ای و الگوی رفتاری در ژئوپلیتیک.....	۱
۴۹	۱-۷- ژئوپلیتیک ایران.....	۱
۵۴	۱-۸- مدل های بینک «پیتر هاگت و انطباق آن با مناقشات منطقه خزر.....	۱
۵۷	فصل دوم : ژئوپلیتیک نظام منطقه‌ای دریای خزر.....	۱
۵۸	۲-۱- تعریف منطقه.....	۱
۵۸	۲-۱-۱- مطالعات منطقه‌ای از دیدگاه ژئوپلیتیک.....	۱
۶۰	۲-۱-۲- ساختار نظام منطقه‌ای.....	۱
۶۱	۲-۱-۲-۱- بخش هسته یا کانون نظام.....	۱
۶۲	۲-۱-۲-۲- بخش پیرامونی نظام.....	۱
۶۲	۲-۱-۲-۳- بخش مداخله‌گر نظام.....	۱
۶۳	۲-۱-۲-۳-۱- تأثیر قدرت بخش مداخله‌گر بر واگرایی نظام منطقه‌ای.....	۱
۶۴	۲-۱-۳- شکل‌گیری نظام منطقه‌ای دریای خزر به دنبال پایان جنگ سرد.....	۱
۶۶	۲-۱-۳-۱- شناسایی نظام منطقه‌ای دریای خزر.....	۱
۶۹	۲-۱-۳-۲- تبیین جایگاه بخش مرکزی نظام منطقه‌ای دریای خزر در انرژی ژئوپلیتیکی قدرتهای پیرامون و مداخله‌گر.....	۱
۷۲	۲-۲- جایگاه حوضه ژئوپلیتیک دریای خزر در نظریه‌های ژئوپلیتیک.....	۱
۷۴	۲-۳- بازگشت هارتلند به مباحث ژئوپلیتیک.....	۱
۷۶	۲-۴- هارتلند جدید - جنگ سرد جدید.....	۱
۸۰	۲-۵- اصطلاح «بازی بزرگ».....	۱
۸۳	۲-۵-۱- بازی بزرگ و سیاست خطوط لوله در آسیای مرکزی و قفقاز.....	۱

- ۲-۶- ژئوپلیتیک منطقه خزر ۸۶
- ۲-۷- ژئوپلیتیک انرژی منطقه خزر ۹۳
- ۲-۸- میزان ذخایر انرژی دریای خزر ۹۸

فصل سوم: ژئواکونومیک خزر و نقش قدرتهای فرا منطقه‌ای در واگرایی کشورهای

- ساحلی دریای خزر ۱۰۵
- بخش اول: ژئواکونومیک دریای خزر ۱۰۶
- ۳-۱- ژئواکونومیک دریای خزر (منطقه خزر) ۱۰۶
- ۳-۱-۱- «دپلماسی خطوط لوله» ۱۱۰
- ۳-۱-۲- راه‌های انتقال انرژی (نفت و گاز) دریای خزر به بازارهای مصرف جهانی ۱۱۵
- ۳-۱-۳- مسیرهای حوادث خطوط لوله نفت و گاز خزر و دیدگاه‌های مختلف کشورها ۱۲۲
- ۳-۱-۳-۱- مسیر شمال ۱۲۴
- ۳-۱-۳-۲- مسیر غربی ۱۲۵
- ۳-۱-۳-۲-۱- خط لوله باکو - تفلیس - سیهان ۱۲۷
- ۳-۱-۳-۲-۱-۱- علت انتخاب خط لوله باکو - سیهان توسط قدرتهای مداخله‌گر برای انتقال انرژی خزر ۱۲۸
- ۳-۱-۳-۲-۲- خط لوله ماورای خزر (مسیر غربی دریای خزر) یا ترنس کاسپین ۱۳۲
- ۳-۱-۳-۲-۲-۱- علت انتخاب پروژه خطوط لوله ماورای خزر توسط قدرتهای مداخله‌گر برای انتقال انرژی شرق دریای خزر ۱۳۳
- ۳-۱-۳-۳- مسیر جنوبی ۱۳۵
- ۳-۱-۳-۴- مسیر شرقی ۱۳۸
- ۳-۱-۳-۵- مسیر جنوب شرقی ۱۳۹
- بخش دوم: بررسی نقش کشورهای ساحلی خزر در مورد مسیرهای انتقال نفت و گاز ۱۴۳
- ۳-۲- بررسی نقش کشورهای ساحلی دریای خزر در مورد مسیرهای انتقال نفت و گاز خزر ۱۴۳
- ۳-۲-۱- ایران ۱۴۶
- ۳-۲-۱-۱- اقدامات و سیاستهای ایران در مورد منابع انرژی دریای خزر و مسیرهای انتقال آن ۱۴۶
- ۳-۲-۱-۱-۱- پروژه نکا و پیشنهاد ایران برای تثبیت خود به عنوان یک کریدور ترانزیت انرژی خزر ۱۴۸
- ۳-۲-۱-۱-۲- خط لوله آسیای مرکزی به خلیج فارس یا خط لوله در دست مطالعه (K. T. I) ۱۵۰

- ۳-۱-۲-۱-۳ خط لوله نکا - جاسک - ۱-۱-۲-۳- ساخت سکوی حفاری نفتی ایران - البرز در ساحل نکا در دریای خزر..... ۱۵۱
- ۳-۲-۱-۲-۲ روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ساحلی خزر در زمینه انرژی..... ۱۵۴
- ۳-۲-۱-۳-۲ اهداف جمهوری اسلامی ایران در حوزه دریای خزر..... ۱۵۷
- ۳-۲-۱-۴-۲ چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در انتقال انرژی حوزه خزر..... ۱۵۷
- ۳-۲-۱-۵-۲ منافع و مضار ترانزیت نفت و گاز دریای خزر از خاک ج.ا.ا یا غیر از مسیر ج.ا.ا..... ۱۶۶
- ۳-۲-۱-۶-۲ روابط ایران و آمریکا در حوزه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۱۶۶
- ۳-۲-۱-۷-۲ روابط ایران و روسیه در زمینه مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر..... ۱۸۶
- ۳-۲-۱-۸-۲ روابط ایران و ترکیه در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۱۹۵
- ۳-۲-۲-۲-۲ روسیه..... ۱۹۹
- ۳-۲-۲-۱-۲ اقدامات روسیه برای حفظ نقش انحصاری خود در عرصه صادرات و ترانزیت انرژی از خزر..... ۱۹۹
- ۳-۲-۲-۱-۱-۲ اقدامات روسیه برای شکست یا تضعیف پروژه خط لوله نفت باکو - جیحان..... ۱۹۹
- ۳-۲-۲-۱-۲-۲ اقدامات روسیه برای شکست یا تضعیف پروژه خط لوله ترنس خزر (از بستر دریای خزر)..... ۲۰۲
- ۳-۲-۲-۲-۲-۲ روابط روسیه و آمریکا در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۲۰۳
- ۳-۲-۲-۳-۲ روابط روسیه و ترکیه در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۲۰۹
- ۳-۲-۳-۳-۲ ترکمنستان..... ۲۱۹
- ۳-۲-۳-۱-۲ روابط ترکمنستان و آمریکا در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۲۱۹
- ۳-۲-۳-۲-۲ روابط ترکمنستان و چین در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۲۲۴
- ۳-۲-۴-۲-۲ قزاقستان..... ۲۲۶
- ۳-۲-۴-۱-۲ اهداف و سیاستهای قزاقستان در زمینه انرژی دریای خزر..... ۲۲۷
- ۳-۲-۴-۲-۲ روابط قزاقستان و آمریکا در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۲۳۰
- ۳-۲-۴-۳-۲ روابط قزاقستان و ترکیه در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۲۳۵
- ۳-۲-۵-۳-۲ آذربایجان..... ۲۳۶
- ۳-۲-۵-۱-۲ اهداف و سیاستهای جمهوری آذربایجان در زمینه انرژی دریای خزر..... ۲۳۶
- ۳-۲-۵-۲-۲ روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۲۳۹
- ۳-۲-۵-۳-۲ روابط جمهوری آذربایجان و ترکیه در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی..... ۲۴۳

- ۳-۲-۵-۴ روابط جمهوری آذربایجان و ایران در زمینه انرژی دریای خزر ۲۴۴
- ۳-۲-۵-۵ روابط جمهوری آذربایجان و روسیه در زمینه انرژی دریای خزر ۲۴۶
- ۳-۲-۵-۶ روابط جمهوری آذربایجان و قزاقستان در زمینه انرژی دریای خزر ۲۴۷
- ۳-۲-۵-۷ روابط جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در زمینه انرژی دریای خزر ۲۴۸

بخش سوم؛ قدرتهای فرا منطقه‌ای و ژئوپلیتیک انرژی دریای خزر ۲۵۱

- ۳-۳-۱-۱ بررسی نقش قدرتهای فرا منطقه‌ای در مورد منابع انرژی و مسیرهای انتقال نفت و گاز خزر و تأثیر آن بر واکشی کشورهای ساحلی ۲۵۱
- ۳-۳-۱-۲ آمریکا ۲۵۳
- ۳-۳-۱-۱-۱ دلایل حضور آمریکا در منطقه خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی خزر ۲۵۳
- ۳-۳-۱-۲ اهداف و سیاستها؛ آمریکا در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۲۶۷
- ۳-۳-۲ اتحادیه اروپا ۲۸۵
- ۳-۳-۲-۱ دلایل حضور اتحادیه اروپا در منطقه خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۲۸۵
- ۳-۳-۲-۲ اهداف و سیاستهای اتحادیه اروپا در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۲۸۷
- ۳-۳-۲-۳ ساز و کارهای اقتصادی اتحادیه اروپا در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۲۹۲
- ۳-۳-۲-۳-۱ پروژه اروپایی اینوگیت (INOGATE) ۲۹۵
- ۳-۳-۲-۳-۲ پروژه تراسیکا (TRACECA) ۲۹۵
- ۳-۳-۲-۳-۳ اتحادیه اروپا و پروژه خط لوله نابوکو (NABUCCO) ۲۹۶
- ۳-۳-۲-۳-۳-۱ واکنش ایران و روسیه نسبت به خط لوله نابوکو ۳۰۰
- ۳-۳-۳ ناتو (NATO) ۳۰۲
- ۳-۳-۳-۱ اهداف و سیاستهای ناتو در منطقه خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۳۰۲
- ۳-۳-۳-۲ ناتو - اتحادیه گوام و حراست از خطوط لوله ۳۱۱
- ۳-۳-۴ ترکیه ۳۱۲
- ۳-۳-۴-۱ اهداف و سیاستهای ترکیه در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۳۱۲
- ۳-۳-۴-۲ محور ترکیه - آمریکا در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۳۲۰
- ۳-۳-۴-۳ محور ترکیه - اسرائیل در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۳۲۳
- ۳-۳-۵ اسرائیل ۳۲۶
- ۳-۳-۵-۱ اهداف و سیاستهای اسرائیل در منطقه خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی ۳۲۶

۳-۳-۵-۲	پروژه اسرائیل - ترکیه - آذربایجان برای انتقال نفت منطقه خزر (از بندر جیحان به بندر اشکلون در اسرائیل)	۳۲۹
۳-۳-۵-۳	محور اسرائیل - آمریکا - ترکیه در منطقه خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی	۳۳۱
۳-۳-۶	چین	۳۳۳
۳-۳-۶-۱	اهداف و سیاستهای چین در زمینه انرژی خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی	۳۳۳
۳-۳-۶-۲	دلایل توجه چین به انرژی منطقه خزر	۳۳۸
۳-۳-۶-۳	دلایل چین برای حمل نفت و گاز از مناطق آسیای مرکزی و دریای خزر	۳۴۱
۳-۳-۶-۴	عامل توجه چین به قزاقستان	۳۴۳
۳-۳-۶-۵	اهمیت خط لوله قزاقستان - سین کیانگ چین	۳۴۵
۳-۳-۶-۶	رقابت چین و روسیه در زمینه انرژی منطقه خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی	۳۴۹
۳-۳-۶-۷	چین و بعد از شانگهای در آسیای مرکزی (رقابت با آمریکا در عرصه انرژی)	۳۵۱
۳۵۶	فصل چهارم: نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات	
۴-۱	نتیجه گیری	۳۵۷
۴-۲	ارائه پیشنهادات	۳۶۶
	منابع و مآخذ	۳۸۲
	ضمائم	۴۰۱

پیشگفتار

جهان به مرحله جدیدی از تاریخ خود گام نهاده است؛ پایان سده بیستم و آغاز قرن بیست و یکم با پدیده جهانی شدن مشخص می‌شود. در چنین شرایطی و در کنار سایر مباحث، موضوع ژئوپلیتیک انرژی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که امروزه انرژی در سیاستهای ملی و بین‌المللی نقش تعیین کننده‌ای پیدا نموده و به دنبال خود الگوهای رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، همگرایی و واگرایی را در عرصه جهانی بوجود آورده است که باعث می‌شود، منافع مشترک مرتبط با انرژی به اساسی‌ترین عامل در تجدید روابط حسنه، ایجاد صلح و پایداری و همچنین دشمنی میان کشورها تبدیل گردد. به عبارتی دیگر اهمیت نفت و گاز در بعد انرژی امروز جهان و اهمیت انرژی در اقتصاد کنونی جهان موجب تعاملی گسترده میان انرژی و سیاست شده است. همچنین بسیاری از تعاملات، رقابت‌ها و تحولات سیاسی جهان تحت تأثیر انرژی شکل می‌گیرد. نکته دیگری که در ادامه بحث باید به آن اشاره نماییم اینکه منابع انرژی و بویژه ذخایر نفت و گاز، اکنون در منطقه خزر باعث ایجاد شکاف و کشمکش شده است. در این رابطه، سکافها و رقابتهای داخلی که توسط قدرتهای خارجی تشویق می‌شود، رسیدن به اتحاد در بین کشورهای ساحلی دریای خزر را دشوار ساخته است. از طرفی دیگر به نظر می‌آید ژئوپلیتیک این منطقه با ژئواکونومی آن چنان در هم آمیخته است که امکان جدا سازی آنها وجود ندارد. به سخن دیگر هر قدرتی که بر ذخایر انرژی منطقه مسلط شود بر ژئوپلیتیک منطقه نیز چیره خواهد شد. گمان هر قدرتی که کار اکتشاف، تولید و انتقال انرژی منطقه را به دست گیرد یا سهم بیشتری در آن داشته باشد بهتر می‌تواند از فرصتهای ژئوپلیتیکی این منطقه بهره‌مند شود.

با توجه به نکات گفته شده، افزایش شناخت از منطقه خزر به عنوان آن نه تنها نیازی آکادمیک و علمی، بلکه نیازی سیاسی - اقتصادی است. واقعیت این است که ژئوپلیتیک خزر دائماً در حال تحول می‌باشد. تحولات آنچنان سریع رخ می‌دهد که اگر موضوعی هم نوشته شود، یا نیاز به تجدید نظر دارد و یا مطالبی دیگر بایستی به آن اضافه گردد. امید است مطالعه این پژوهش که در مورد ژئوپلیتیک انرژی دریای خزر و قدرتهای فرا منطقه‌ای که بر محور فرضیه «ژئواکونومیک خزر در قالب بهره‌برداری و انتقال انرژی با تأکید بر نقش قدرتهای فرا منطقه‌ای از عوامل مهم واگرایی است» به نگارش درآمده است، مشوقی باشد برای دیگر

محققین و پژوهشگران تا بتوانند مقالات و مجموعه های بهتر و کاملتری را تهیه و تدوین کنند؛ چرا که ایران عزیز برای حفظ منافع، عزت و عظمت خود در این حوزه، احتیاج به کار و کوشش مستمر همه فرزندان در هر لباس، اعم از دانشجویان علاقمند، کارشناسان، دیپلماتها، نظامیان، محققان و... خلاصه همه ایرانیان دارد، تا در مواقع تصمیم سازی و تصمیم گیری حیاتی و سرنوشت ساز برای احقاق حقوقمان در خزر بتوانیم بهترین و منطقی ترین تصمیم را بگیریم تا در آینده جایی برای پشیمانی باقی نماند.

از طرفی دیگر هر گونه کوتاهی در دفاع از منافع و موقعیت ایران در دریای خزر خسارتی تاریخی و - ایران ناپذیر برای کشور در پی خواهد داشت و مطمئناً قضاوت نسل های بعدی ایران در این مورد سخت تر خواهد بود و هیچگاه هم ما را نخواهند بخشید؛ همانطور که ما حاکمان نالایق و نادان شور ناجار با به خاطر از دست دادن سرزمین های شمالی ایران کهن و بزرگ و قراردادهای ننگین - سان، - رمنچای، آخال و ... هیچگاه نخواهیم بخشید چرا که گرفتاری های کنونی ما در حوزه دریای خزر به خاطر تصمیم های نادرست آن زمان آنها است و دیگر اجازه نخواهیم داد خاطرات تلخ تاریخی در این حوزه دوباره برای ایران تکرار شود و نباید در حوزه خزر تصمیمی گرفته شود که نقطه و اذسوس و حسرت نصیب آیندگان و وارثان ایران زمین شود.

این کتاب در اصل خلاصه ای از پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد اینجانب تحت عنوان «ژئوپلیتیک دریای خزر و واگرایی کشورهای ساحلی» می باشد که در شهریور ۱۳۸۹ در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در گروه جغرافیای سیاسی - شبکه علوم زمین این دانشگاه از آن دفاع شده است. این کتاب که در چهار فصل تدوین شده است سعی به کوشش برای حل این مسئله بوده است که مهمترین عوامل واگرایی کشورهای ساحلی دریای خزر کدامند؟ و چرا در منطقه خزر کشورهای ساحلی آن به یک همکاری و همگرایی نرسیدند و همچنین چرا نتوانستند یک سازمان منطقه ای با محوریت دریای خزر و با حضور پنج کشور ساحلی تشکیل دهند و در واقع علت اصلی واگرایی کشورهای ساحلی از یکدیگر چیست؟ یا به عبارت دیگر ریشه های اصلی بحران و واگرایی در بین کشورهای ساحلی دریای خزر کدامند؟ از طرفی دیگر با توجه به اینکه کار ژئوپلیتیسین ها، ارزیابی قدرت یک ملت و فرصتها و امکانات او برای بقاء و گسترش قدرت خویش در جهان است؛ هدف دیگر پژوهش این است که جمهوری اسلامی ایران در منطقه جدید خزر با چه چالش ها و فرصتهایی روبرو است و چگونه می تواند در جهت تأمین

منافع ملی خود گام بردارد. و همچنین در پایان پژوهش راهکارهایی جهت همگرایی و همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر ارائه و پیشنهاد می‌شود.

از سوی دیگر با توجه به اینکه ارزیابی قدرت یک ملت و فرصت‌ها و امکاناتش برای حفظ و بسط قدرت خویش در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی همواره یک نکته اساسی در ژئوپلیتیک می‌باشد؛ ژئوپلیتیسین‌ها در مقام راهنمایی رهبران سیاسی در بازی‌های منطقه‌ای و جهانی نقش‌آفرین هستند. در این رابطه با توجه به نکات گفته شده، کشور ایران برای اینکه بتواند ابرقدرت منطقه‌ای باقی بماند باید به تقویت حضور خود در حوزه‌های ژئوپلیتیک پیرامون بپردازد و از حوزه ژئوپلیتیک‌اش در شمال غافل نماند. از طرفی در حالی که تمام توان ایران در حوزه ژئوپلیتیک جنوب یعنی خلیج فارس متمرکز شده است، احتمال آسیب‌پذیری ایران در آینده از طرف حوزه ژئوپلیتیک‌اش در شمال، دور از انتظار نخواهد بود؛ به همین خاطر باید چالش‌ها و فرصت‌های ایران در این حوزه به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا در مواقع لزوم و پیش‌بینی نشده بتوان به‌تدریج عکس‌العمل را نشان داد تا خطری متوجه منافع ملی ایران در این حوزه نشود و یا زمین برای ایران آن دیر نشود. به عبارتی کشور ایران باید در دریای خزر بازی اقتصادی چندجانبه و متوازن را در پیش گیرد، در حالی‌که موقعیت طبیعی ایران این فرصت را برایش فراهم کرده است که جایگاه راه‌بردی در منطقه داشته باشد؛ رفتار همکاری جویانه، فراهم آوردن زیرساخت‌ها و بستن آبی مناسب اقتصادی برای انتقال مطمئن و پایدار انرژی برای مصرف‌کنندگان می‌تواند اقدام‌های آمرنا و دیگر قدرتها را تعدیل و کم‌اثر سازد.

برای همین منظور باید حرکات و سیاست‌های دشمنان و رقبای ایران در این منطقه که قصد توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران را دارند، به دقت بر چه تمام‌تر رصد شود و سیاست‌های هوشمندانه‌ای برای مقابله با این حرکات طراحی و اجرا شود؛ نکته دیگری که در ادامه بحث باید به آن اشاره نماییم اینکه مهمترین کشورهای مداخله‌گر و مخرب در روابط بین‌الملل، آمریکا و اسرائیل هستند که در این منطقه هم فعال می‌باشند و سرویس‌های اطلاعاتی و نظامی این قدرت‌های بیگانه در جمهوری آذربایجان و دیگر کشورهای منطقه در حال توطئه می‌باشند که مطمئناً در کاهش روابط کشورهای ساحلی دریای خزر با ایران بی‌تأثیر نبوده است.

همچنین امیدواریم که این پژوهش مورد توجه تصمیم‌گیران و دست‌اندرکاران وزارت امور خارجه و دیگر نهادهای مسئول (وزارت نفت، وزارت دفاع، وزارت اطلاعات، مراکز علمی - تحقیقاتی، مراکز دانشگاهی و پژوهشکده‌ها و...) جهت مشاوره به سیاستمداران کشور و تصمیم

گیری درست در سیاست خارجی ایران در حوزه خزر قرار بگیرد تا به نوعی کمک به حکومت و فراتر از آن کمک به قدرت یافتن کشور ایران در این حوزه شود.

از طرفی دیگر حضور ایران در حوزه ژئوپلیتیک شمالی اش یعنی قفقاز، خزر - آسیای مرکزی کم رنگ است و این موضوع به خاطر حضور قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای مداخله گر می باشد که جلوی قدرت مانور بیشتر ایران را در این مناطق گرفته است؛ و از طرف دیگر کم کاری و غفلت وزارت امور خارجه ایران در این زمینه بی تأثیر نیست و سفرهای خیلی کمی که به این کشورها از طرف وزارت امور خارجه انجام می گیرد شاید توقف مسئولین و هیأت های راه آن در این کشورها بیش از چند ساعت طول نکشد که این دیدارها به تحکیم روابط ایران با این کشورها منجر نخواهد شد؛ در حالی که برای کشورهای دیگر که از حوزه ژئوپلیتیکی ایران خالی هستند مانند کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین که از اهمیت کمتری هم برخوردار هستند از هر لحاظ برای دیپلماسی و سیاست خارجی ایران هزینه بر هستند، مدت زمان بیشتری را اختصاص می دهند. در حالی که ژئوپلیتیک ایران به سمت شمال باز می شود و در این رابطه شورای حوزه خزر نادیده گرفته می شوند؛ که این موضوع باعث می شود رقیبان و دشمنان ایران جای پا را در این کشورها (منطقه خزر) محکم تر کنند و عرصه را برای فعالیت های ایران تنگ تر نمایند.

در پایان لازم می دانم از راهنمایی های آقایان دکتر پیروز مجتهدزاده، دکتر علیرضا محرابی و دکتر جواد اطاعت از اساتید گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی (دستیار و مشاور عالی مقام معظم رهبری)، دکتر عباس ملکی (رئیس مؤسسه مطالعات دریای خزر) در مورد مسائل انرژی و نقش قدرتهای مداخله گر و فرا منطقه ای در منطقه خزر و همچنین از همکاری کارکنان کتابخانه وزارت امور خارجه در به ثمر رسیدن هر چه بهتر این اثر، خالصانه و صمیمانه قدردانی و سپاسگزارم.

سید رحمت رضانی

۱۳۹۴

مقدمه

دریای خزر در شمال ایران، جنوب روسیه، غرب ترکمنستان، غرب و جنوب غربی قزاقستان، شرق آذربایجان و در مرز بین آسیا و اروپا و در محل تلاقی آسیای مرکزی، قفقاز و ایران قرار گرفته است. از طرفی ظهور و شکل‌گیری کشورهای منطقه خزر بر روی نقشه سیاسی جهان از رویدادهای مهم چند سال اخیر یعنی از پیامدهای بارز فروپاشی شوروی (دسامبر ۱۹۹۱) محسوب می‌شود. گرچه ظهور مرزهای جدید بین‌المللی پیرامون دریای خزر و تغییرات در نقشه سیاسی منطقه از بارزترین پیامدهای فروپاشی شوروی محسوب می‌شود ولی پایان گرفتن هم‌زمان جنگ سرد و شکل‌گیری نظام جدید ژئوپلیتیک در سطح جهان، تأثیر قاطعی بر وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه داشته است که از آن می‌توان با عنوان «دوره گذار ژئوپلیتیک» نام برد. از سوی دیگر آسیای مرکزی^۱ منطقه خزر را هارتلند تازه‌ای می‌داند که در سده بیست و یکم، از دید ژئوپلیتیک، اثرات گریزناپذیری در سیاست بین‌الملل بر جای خواهد گذاشت.

نکته دیگر اینکه منطقه خزر به سه جغرافیایی آن در بر گیرنده پنج کشور ساحلی این دریا یعنی (ایران، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و روسیه) است؛ ولی امتیازات ژئوپلیتیک آن را نمی‌توان و نباید جدا از گستره آسیای مرکزی و قفقاز دانست. همچنین منطقه خزر با چهار حوزه ژئوپلیتیکی مشخص ارتباط دارد که عبارتند از: ۱- حوزه آسیای مرکزی در شرق ۲- حوزه قفقاز در غرب ۳- حوزه ایران در جنوب ۴- حوزه روسیه و اسلاو در شمال. به عبارتی دیگر حوزه‌های چهارگانه مزبور بر حوزه خزر تأثیر گذاشته و هویت ژئوپلیتیکی آن را شکل می‌دهند. از این رو مسایل خزر را باید حاصل ترکیب و التقای مسایل و دیدگاههای خاص چهار حوزه مزبور دانست که در دو حوزه غربی و شرقی نیز با نیروهای مداخله‌گر از منطقه‌ای پیوند خورده و الگوی پیچیده‌ای از رقابت و همگرایی را شکل می‌دهند که این منحنی با واکنش بخش شمالی و جنوبی خزر نیز رو به رو گردیده است. در واقع اهمیت ژئوپلیتیک خزر، با فروپاشی شوروی، پایان یافتن جنگ سرد و پیدایش قدرت‌های منطقه‌ای بویژه بر اثر دخالت‌های همه جانبه آمریکا در این منطقه دو چندان شده است. در ترسیم ژئوپلیتیک جدید خزر باید گفت پس از فروپاشی شوروی این حوزه دچار خلأ قدرت سیاسی شد، این خلأ به وجود آمده زمینه مناسبی را برای حضور قدرتهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای فراهم نمود.

به عبارتی دیگر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ تغییرات عمده‌ای را در سطح جهان و مناطق نفوذ شوروی و از جمله دریای خزر پدید آورد. به نحوی که در شرایط ژئوپلیتیک جدید منطقه خزر تبدیل به یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان گردید. فرو ریختن نظام دو قطبی و سپس تغییرات عمده در ساختار تک قطبی نظام جهانی سبب شده تا مناطقی از جهان ویژگی و اهمیت خاصی پیدا کنند؛ از جمله این مناطق، منطقه خزر - آسیای مرکزی است که تحت تأثیر فروپاشی شوروی و همچنین روند رو به رشد تقاضای جهانی انرژی و به خصوص انرژی حاصل از سوخت‌های فسیلی اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک فراوانی یافته است. هم‌اکنون که قبلاً هم اشاره نمودیم ظهور و شکل‌گیری منطقه خزر بر روی نقشه سیاسی جهان از پیاپی‌های بارز فروپاشی شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ محسوب می‌شود. تا قبل از این تاریخ دریای خزر به عنوان یک دریای شوروی - ایرانی شناخته می‌شد و طبق معاهدات فیما بین دو کشور (۱۹۲۱-۱۹۴۰) عرصه مشترک دریایی دو کشور محسوب می‌شد ولی در عمل حکومت شوروی به عنوان یک ابرقدرت و اینکه خاک آن کشور دریای خزر را از سه طرف احاطه می‌نمود نفوذ بی‌سابقه‌ای بر آن دریا اعمال می‌کرد. از سوی دیگر فروپاشی اتحاد شوروی شرایط جدیدی را ایجاد کرد که با اتخاذ بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دچار پیچیدگی روز افزون شده است. این روند «بازی» جدیدی را پیرامون دریای خزر بوجود آورده که یادآور رقابت‌های استعماری روس و انگلیس در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم است؛ در ادامه باید به این نکته اشاره نماییم که نیازهای روز افزون جهان صنعتی به منابع انرژی سبب شده است تا توجه جهانی به منابع دریای خزر به سرعت افزایش یابد.

به عبارتی دیگر به دنبال فروپاشی کمونیسم در شوروی، باقی ماندن استقلال جمهوری‌های خود مختار شوروی در حاشیه دریای خزر از یک سو و بین‌المللی شدن اهمیت منابع غنی هیدروکربنی نهفته در این دریا - از عملیات اکتشاف و حفاری گرفته تا گوناگونی انتقال آن به بازارهای مصرف - از سوی دیگر به یک باره این منطقه از یک منزلت سیاسی، اقتصادی و امنیتی ویژه‌ای برخوردار گردید. در این میان، حضور تدریجی برخی بازیگران ملی و فرا ملی نظیر: دولت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای، نهادهای بین‌المللی نظامی، شرکت‌های چند ملیتی و کنسرسیوم‌های نفتی به مراتب بر پیچیدگی‌ها و ابهامات سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه افزوده و حرکت‌های گریز از مرکز جمهوری‌های تازه استقلال یافته حاشیه دریای خزر در تحصیل منابع هیدروکربنی این دریا، به شیوه ناهماهنگ و واگرایانه از طریق یاری جستن از

شرکت های چند ملیتی نفتی و دولت های بزرگ فرا منطقه ای عملاً امکان همگرایی منطقه ای را در میان پنج دولت حاشیه دریای خزر (روسیه، ایران، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان) از میان برده است.

از سوی دیگر وجود اختلاف نظرهای فراوان در خصوص مسائل خزر و عدم اعتماد متقابل پنج کشور برای همکاری های مشترک از یک سو و نفوذ کشورهای فرا منطقه ای که تمایلی به شکل گیری ترتیبات مشترک منطقه ای در این حوزه ندارند، سبب شده تا فضایی واگرایانه در منطقه حاکم شود. همچنین افزایش رقابت های سیاسی و اقتصادی جهت به کنترل درآوردن راه های مواصلاتی و دسترسی به منابع انرژی دریای خزر، این حوزه را مبدل به صحنه کشمکش های منطقه ای و فرا منطقه ای کرده است؛ به همین دلیل موضوع انرژی و انتقال آن به عنوان یکی از مهم ترین منابع واگرایی امنیتی در منطقه خزر محسوب می شود. از طرفی دیگر آنچه از شواهد موجود پیرامون سیاست خارجی و مؤلفه های داخلی تأثیرگذار بر روابط خارجی هر یک از کشورهای حوزه خزر پدیدار می شود، زمینه های همگرایی و همکاری به خوبی وجود ندارد و قدرت های مداخله گر در بیشتر منابع نقش مهمی را در محدود کردن همکاری ها دارند. همچنین چیرگی نیروهای واگرایانه به صورت انحصاری بر سر راه همگرایی و همکاری منطقه ای می باشد. در واقع هر چه میزان و دامنه همکاری های فرا منطقه ای در دریای خزر افزایش یابد، احتمال رسیدن به اجماع و شکل گیری همکاری های مشترک درون منطقه ای کاهش خواهد یافت؛ چرا که بسیاری از این بازیگران فرا منطقه ای به نفع خود را در تضاد با انعقاد هر گونه پیمان مشترک میان پنج کشور حوزه خزر می دانند.

در واقع این پژوهش می کوشد تا حوزه خزر را از دید نیروهای واگرایانه که به صورت مانعی بر سر راه همگرایی و همکاری منطقه ای تجلی می نماید مورد بررسی قرار دهد. بدین منظور این پژوهش در چهار فصل تنظیم شده است: فصل اول مبانی نظری پژوهش را شامل می شود. فصل دوم: تبیین شاخصه های ژئوپلیتیک دریای خزر. فصل سوم که شامل ژئواکونومیک خزر در قالب بهره برداری و انتقال انرژی با تأکید بر نقش قدرتهای فرا منطقه ای در واگرایی کشورهای ساحلی دریای خزر می شود و دارای سه بخش می باشد؛ بخش اول: ژئواکونومیک دریای خزر (منطقه خزر)، بخش دوم: بررسی نقش کشورهای ساحلی دریای خزر در مورد منابع انرژی و مسیرهای انتقال نفت و گاز خزر، بخش سوم: بررسی نقش قدرتهای فرا منطقه ای در مورد منابع انرژی و مسیرهای انتقال نفت و گاز خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی. و فصل چهارم که

شامل نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات می‌باشد.

همانطور که قبلاً هم اشاره نمودیم هدف اصلی این پژوهش، شناسایی، بررسی و ریشه‌یابی علل واگرایی کشورهای ساحلی دریای خزر و ارائه پیشنهادات و راهکارهایی جهت همکاری و همگرایی کشورهای ساحلی خزر می‌باشد. سوال اصلی که در این پژوهش مطرح شده این است که: «مهم‌ترین عوامل واگرایی کشورهای ساحلی دریای خزر کدامند؟». در این رابطه محور کلی این پژوهش، این فرضیه می‌باشد که: «ژئواکونومیک خزر در قالب بهره‌برداری و انتقال انرژی با تأکید بر نقش قدرتهای فرا منطقه‌ای از عوامل مهم واگرایی است». هدف دیگر این پژوهش اینکه جمعی از اعضای ایرانیان در منطقه جدید خزر با چه چالشها و فرصتهایی روبرو است و چگونه می‌تواند در جهت تأمین منافع ملی خود گام بردارد.

نکته بسیار مهم آنکه امروزه در سراسر جهان مباحث مربوط به انرژی با حساسیت بیشتری نسبت به گذشت، در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی دنبال می‌شود و اهمیت آن روز به روز در حال افزایش بوده و مطالعات مربوط به آن در تمامی کشورها از جمله مطالعات راهبردی محسوب می‌شود. در واقع دلیل اصلی اهمیت مطالعات مربوط به انرژی را می‌توان در این نکته یافت که انرژی محور اصلی توسعه و پیشرفت جوامع بشری بوده و بدون انرژی امکان رشد و توسعه میسر نخواهد شد. بدون تردید در جهان کنونی مباحث مربوط به آینده، موضوع انرژی جایگاه خاصی را به خود اختصاص می‌دهد. بطوری که امروزه با دقت بسیاری میزان منابع تولید، مصرف و قیمت انواع انرژی را در نقاط مختلف جهان و در زمان‌های مختلف پیش‌بینی می‌نمایند و بسیاری از تحولات بین‌المللی در عرصه‌های سیاسی، نظامی و ژئوپلیتیک با توجه به این پیش‌بینی‌ها شکل می‌گیرد. همچنین انرژی دارای ارزش و اهمیت بسیار تعیین کننده در روابط بین‌الملل می‌باشد و وجود آن در هر منطقه جغرافیایی می‌تواند آن را تبدیل به یک عامل رقابت و کشمکش نموده و صف بندی‌ها و آرایش‌های سیاسی را حول آن شکل دهد.

همچنین در این پژوهش، با مطالعه ژئوپلیتیک انرژی دریای خزر مشخص خواهد شد که مهم‌ترین عامل واگرایی کشورهای ساحلی، حضور قدرتهای فرا منطقه‌ای و مداخله‌گر در منطقه خزر می‌باشد که این حضور با توجه به مسائل مربوط به بهره‌برداری و انتقال انرژی (نفت و گاز) صورت گرفته است و سه کشور ساحلی خزر یعنی آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، به خاطر اهمیت انرژی کشورشان در ساختارهای اقتصادی، نظامی و سیاسی قدرتهای فرا منطقه‌ای جذب شده‌اند و این موضوع باعث شد که قدرتهای مداخله‌گر در موضوعات و مسائل مربوط به

دریای خزر مداخله و از بعضی کشورهای ساحلی جانبداری کنند که این خود مانع اصلی در عدم تفاهم و توافق بین کشورهای ساحلی دریای خزر شده و روند همکاری و همگرایی را در بین کشورهای ساحلی بی نتیجه ساخته است. در واقع قدرتهای مداخله گر در بیشتر مواقع، نقش مهمی را در محدود کردن همکاری ها دارند.

در این پژوهش، همچنین پنج مسیر اصلی (شمالی، غربی، جنوبی، جنوب شرقی و شرقی) انتقال انرژی دریای خزر و هواداران این مسیرها به طور مفصل تشریح شده است؛ با مطالعه این مسیرها متوجه خواهیم شد که قدرتهای فرا منطقه ای و مداخله گر برای تأمین منافع و مقاصد خود، کارخانه ها و سیاستهای خصمانه، غیر اقتصادی و پرهزینه ای را در پیش گرفتند تا مسیرهای ایران و روسیه برای ترانزیت انرژی دریای خزر را دور بزنند، حتی تا آنجا پیش رفتند که کشور ایران را به از خار جغرافیایی همسایه ساحلی و خشکی کشورهای حوزه دریای خزر محسوب می شود. دور کردن کسب از معادلات اقتصادی - سیاسی منطقه کنار بگذارند بدون توجه به اینکه مسیر ایران (مسیر جنوبی)، اقتصادی ترین، امن ترین و نزدیکترین راه خروجی انرژی (نفت و گاز) کشورهای ساحلی دریای خزر (با توجه به محصور در خشکی بودن سه کشور آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان) به آبهای آزاد می باشد و چون پلی منطقه دریای خزر را به خلیج فارس و دریای عمان وصل می کند.

در مورد روسیه هم باید گفت قدرتهای فرا منطقه ای و مداخله گر تمام تلاش خود را برای کاهش نفوذ این کشور در منطقه خزر به کار برده اند تا سطح روابط این کشور قدرتمند با دیگر کشورهای ساحلی را با توجه به وابسته کردن کشورهای ضعیف تر این حوزه به خود، به پایین ترین سطح برسانند. به عبارتی دیگر استراتژی قدرتهای پیرامونی مداخله گر در برخورد با بخش مرکزی سیستم از طرفی در ارتباط با محدود نمودن و کاملاً دادن نقش روسیه به عنوان یک دولت قدرتمند با نفوذ در این بخش و از سوی دیگر، حذف ایران از منطقه و وارد نمودن قدرتهای منطقه ای جایگزین در این نظام منطقه ای بوده است. در واقع قدرتهای فرا منطقه ای و مداخله گر باعث خنثی شدن تلاشهای مسکو و تهران برای ایفای نقش «کانون همگرایی» بین کشورهای ساحلی دریای خزر شده اند و در این راه از هیچ گونه کارشکنی ها و سیاستهای واگرایانه در بین کشورهای ساحلی خزر کوتاهی نکردند. با توجه به این اوصاف چگونه می توان انتظار همکاری و همگرایی بین کشورهای ساحلی دریای خزر را داشت؟ از طرفی بیشتر پژوهشگران حوزه مطالعاتی خزر معتقدند که در حال حاضر عوامل واگرایی و تک محوری یا

انزوا طلبی کشورهای منطقه بر عوامل همگرایی منطقه غلبه دارد و تا زمانی که چنین وضعیتی وجود داشته باشد و هر کشور منافع خود را در همگرایی منطقه جستجو ننماید، به نظر نمی‌رسد که ما شاهد افزایش همکاری‌های منطقه‌ای باشیم.

در واقع قدرتهای فرا منطقه‌ای مانع از برقراری روابط بین کشورهای ساحلی دریای خزر شده‌اند؛ در حالی که جغرافیای منطقه اقتضا می‌کند که مسیرهای انتقال نفت و گاز دریای خزر در درجه اول از کشورهای همسایه ساحلی دریای خزر یعنی روسیه و ایران عبور کند، قدرتهای فرا منطقه‌ای و مداخله‌گر با اعمال نفوذ به شیوه‌های تشویق، اقناع و تهدید و... در سه کشور ضعیف‌تر ساحلی دریای خزر و با ایجاد مسیرهای شرقی، غربی و جنوب شرقی به جای مسیرهای شمالی و جنوبی برای انتقال انرژی دریای خزر، مانع از شکل‌گیری روابط اقتصادی پایدار بین این کشورها می‌شوند. در حالی که روابط اقتصادی یا همکاریهای اقتصادی در سطح وسیع و کلان همکارهای سیاسی و حتی نظامی را برای تأمین منافع جمعی و همگانی در پی خواهد داشت؛ یعنی با ایجاد پایدار و کلان مطابق نظریه‌های وابستگی متقابل از یک موضوع به موضوع دیگر رایت خواهد کرد و روابط اقتصادی می‌تواند پیش زمینه همکاریهای دیگر و حتی همگرایی در منطقه خزر، ود.

همچنین در پژوهش حاضر، نقش چند کشور ساحلی دریای خزر در مورد منابع انرژی و مسیرهای انتقال نفت و گاز خزر، مورد بررسی قرار گرفت و روابط این کشورها با قدرتهای فرا منطقه‌ای و مداخله‌گر در زمینه انرژی و مسیرهای انتقال آن نشان دهنده تأثیر دخالت در روابط بین کشورهای ساحلی و واگرایی بین آنها است. به نظر می‌آید ژئوپلیتیک این منطقه با ژئواکونومی آن چنان در هم آمیخته است که امکان جدایی آنها وجود ندارد. به سخن دیگر هر قدرتی که بر ذخایر انرژی منطقه مسلط شود بر ژئوپلیتیک منطقه نیز چیره خواهد شد. بی‌گمان هر قدرتی که کار اکتشاف، تولید و انتقال انرژی منطقه را به دست گیرد یا سهم بیشتری در آن داشته باشد بهتر می‌تواند از فرصتهای ژئوپلیتیکی این منطقه بهره‌مند شود. در واقع اهمیت ژئوپلیتیک خزر، با فروپاشی اتحاد شوروی، پایان یافتن جنگ سرد و پیدایش قدرتهای منطقه‌ای و بویژه بر اثر دخالت‌های همه جانبه آمریکا در این منطقه دو چندان شده است.

این کشور به سبب حضور شرکتهای نفتی، با یاری متحدانش و با حمایت آشکار از ایجاد خط لوله باکو - جیحان، خطی که مسیرهای ایران و روسیه را به اصطلاح دور زده است، امکان یافته است که سیاستهای تعیین‌کننده خود را در منطقه به کار گیرد که یقیناً یکی از عوامل

مهم و تأثیر گذار در کاهش روابط بین کشورهای ساحلی و واگرایی آنها از یکدیگر می باشد. همچنین در بلند مدت، ایالات متحده آمریکا بذر نا امنی را در منطقه می باشد نه نهال همکاری منطقه ای را. با توجه به نکات گفته شده، آمریکا در حال حاضر با انگیزه های سیاسی مانع از انتقال نفت و گاز این منطقه از ایران و روسیه به بازارهای جهانی می شود و می کوشد تا حتی این موضوع را به عامل واگرایی و فاصله انداختن میان کشورهای ساحلی دریای خزر تبدیل نماید. لذا آمریکا و اروپا برای نیل به اهداف خود همیشه سعی داشته و دارند فرمول امنیتی خاصی را برای منطقه طراحی کنند و به کشورهای منطقه این طور تلقین کنند که امنیت آنها فقط از طریق حمایت قدرتهای فرا منطقه ای تأمین خواهد شد.

نکته مهم دیگر اینکه در نخستین ماههای پس از فروپاشی شوروی، احداث لوله های انتقال نفت و گاز حوزه خزر مسیر منطقی اقتصادی خود یعنی کوتاه ترین، ارزانه ترین و سریع ترین مسیر را می جست و حتی کشور های حوزه خزر به توافقی برای همکاری نیز دست یافته بودند؛ ولی با ورود قدرتهای بزرگ برون منطقه از مانند آمریکا، اروپا، ناتو، ترکیه و چین به صحنه تحولات سیاسی منطقه و چالش آنها با روسیه، ایران، متأسفانه مسیر صادرات نفت و گاز حوزه خزر به عاملی برای ایجاد تفرقه و بحران در روابط کشورهای ساحلی دریای خزر تبدیل گردید. این تنش ها ناشی از اصرار بعضی کشورهای منطقه بر مسیری خاص برای صادرات نفت و گاز بود که با مخالفت سایر کشورهای منطقه روبرو می گردید. در قسمت های پایانی این پژوهش همچنین نقش قدرتهای فرا منطقه ای در مورد منابع انرژی و مسیرهای انتقال نفت و گاز دریای خزر و تأثیر آن بر واگرایی کشورهای ساحلی به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفت و در فصل آخر به نتیجه گیری کلی و ارائه پیشنهادات ختم می شود.